

www.ketab.ir

جرفادقانی، ابوالقاسم بن محمد، ۱۰۹۲ق

فقه زنان (رسالة سليمانیه) // ابوالقاسم بن محمد جرفادقانی، تحقیق و تصحیح: مهدی مهریزی و محمدحسین

درایتی. - قم: سهل، ۱۳۹۰.

کتابنامه: ص ۴۳۳-۴۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

ISBN ۹۷۸۹۶۴-۹۲۶۴۶-۹-۹ ریال ۹۰۰۰۰

۱. فقه جعفری - قرن ۱۱.

الف. مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، محقق و مصحح. ب. درایتی، محمدحسین، ۱۳۴۳ - ، محقق و مصحح. ج. کتابخانه

تخصصی فقه و اصول. د. عنوان.

۱۸۲۹۷/۳۴۳۲

BP۱۸۲۷/ج ۴، ص.

۱۳۹۰

فقه زنان

(رسالة سليمانیه)

ابوالقاسم بن محمد جرفادقانی (م ۱۰۹۲ ق)

تحقیق و تصحیح

مهدی مهریزی - محمدحسین درایتی

کتابخانه تخصصی فقه و اصول

فقه زنان (رساله سلیمانیه)

مؤلف: ابوالقاسم بن محمد جرفادقانی (م ۱۰۹۲ق)

تحقیق و تصحیح: مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی

حروف چین: سارا عید اللهی

صفحه آرا: محمدکریم صالحی

طرح جلد: حسین موسوی

قم: نشر سهرل

چاپ اول، ۱۳۹۰

چاپ و صحافی: باقایی

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

نشانی: قم - خیابان سمیه - جنب بانک ملی - شماره ۱۵ - طبقه دوم - واحد ۲

تلفکس: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۲۰۱۰

صندوق پستی: ۴۱۴۳ - ۳۷۱۸۵

شابک: ۹ - ۹ - ۹۷۸۹۶۴ - ۹۲۶۴۶ ISBN

فهرست اجمالی

۷	پیشگفتار
۴۹	مقدمه
۵۳	باب اول: دو طهارت و سایر مقدمات نماز
۷۴	باب دوم: در نماز
۸۲	باب سوم: در زکات
۸۹	باب چهارم: در روزه
۹۶	باب پنجم: در حج
۱۰۵	باب ششم: در جهاد
۱۰۷	باب هفتم: در امر به معروف و نهی از منکر
۱۰۸	باب هشتم: در عقود
۱۰۹	باب نهم: در نکاح
۱۹۳	باب دهم: در طلاق
۲۳۴	باب یازدهم: در خلع و مبارات
۲۴۱	باب دوازدهم: درظهار
۲۵۹	باب سیزدهم: در ایلاء
۲۶۶	باب چهاردهم: در لعان
۲۸۰	باب پانزدهم: در عتق
۲۹۷	باب شانزدهم: در میراث و فرق میان مرد و زن در این حکم

۳۱۵	باب هفدهم: در شهادت
۳۱۸	باب هیجدهم: در حدود و تعزیرات
۳۶۸	باب نوزدهم: در قصاص
۳۹۱	باب بیستم: در دیات
۴۳۱	کتاب نامه
۴۳۷	فهرست تفصیلی مطالب

www.ketab.ir

پیشگفتار

یکم. فقه زنان

فقه اسلامی که بخشی از تعالیم و آموزه‌های دینی را در بر می‌گیرد، احکام مکلفان را خواه زن باشند یا مرد بیان می‌کند. بدین جهت در ابواب و موضوعات کتاب‌های فقهی، به تفکیک‌های جنسیتی، زنانه یا مردانه، بر نمی‌خوریم، لکن تردیدی نیست که برخی از احکام فقهی، ویژه زنان است چنان که بخشی از آن به مردان اختصاص دارد. با این وصف، آنچه ویژه زنان است و از احکام مشترک متمایز است بیش از احکامی است که تنها به مردان اختصاص دارد.

فقیهان و نویسندگان فقه اسلامی، پیش از دوره معاصر، چندان به بخش ویژه احکام زنان توجه نکرده‌اند، بدین جهت کمتر به فقه خاص زنان بر می‌خوریم. با این همه، از فقه زنان به کلی غفلت نشده است، بلکه از قرن سوم، با چنین نوشته‌هایی رو به روستیم. تا آن جا که نویسنده جستجو کرده است، تا قرن یازدهم که رساله سلیمانیه [کتاب حاضر] به تحریر درآمد، پنج عنوان کتاب در حوزه فقه زنان نوشته شده است که گزارش اجمالی آن چنین است:

۱. أدب النساء، عبد الملک بن حبیب المالکی (م ۲۳۸ ق)، تحقیق: عبد المجید ترکی، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.

نگارنده، این کتاب را ندیده است ولی محقق کتاب احکام النساء ابن جوزی می‌گوید با کتاب ابن جوزی مشابهت بسیار دارد؛ بدان سان که گویا ابن جوزی کتابش

را از آن گرفته و یا از آن کتاب بهره برده است.^۱

۲. احکام النساء، احمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ ق).

این اثر، بخشی از کتاب الجامع لعلوم الامام احمد، نوشته ابوبکر خلال حنبلی (۲۳۴ - ۳۱۱ ق) است که دیدگاه‌های احمد حنبل را گردآوری و در این قسمت ۱۱۰ مسئله از مسائل حجاب، خلوت و نگاه را جمع کرده است.^۲

۳. احکام النساء، محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ ق).^۳

شیخ مفید به درخواست زنی بزرگوار و فاضل [گفته‌اند منظورش مادر سید مرتضی و سید رضی است] احکام و ویژه زنان را در دوازده باب به اختصار آورده است. ابواب یاد شده عبارت‌اند از: طهارت، صلات، صوم، زکات، حج و عمره، نکاح، طلاق، شهادت، قصاص و دیات، حدود، حجاب، و احکام احتضار، غسل و کفن میت.

۴. زهرات فقهیه شرح احکام النساء، احمد بن محمد بن بحر الناطقی (م ۴۴۶ ق).^۴
نویسنده، یک دوره احکام مربوط به زنان را به اجمال باز گفته است. عناوین ابواب فقهی مطرح شده عبارت‌اند از: طهارت، صلات، زکات، صوم، حج، مسائل حظر و اباحه، شهادت، ازدواج، حدود و قصاص.

۵. احکام النساء، عبد الرحمن بن علی الجوزی (۵۱۰ - ۵۹۷ ق).

ابن جوزی در این کتاب، اخبار و آثار مربوط به فقه زنان را در یک صد و ده باب گرد آورده است. موضوعات مطرح شده عبارت‌اند از: طهارت، صلات، صوم، زکات، حج، برخی مسائل اخلاقی و تربیتی در حوزه خانواده، و باب آخر با عنوان

۱. احکام النساء، ابن جوزی، تحقیق: علی بن محمد بن یوسف المحمّدی، ص ۱۰۷.

۲. احکام النساء عن الامام ابی عبد الله احمد بن محمد بن حنبل، رواية ابی بکر الخلال، تحقیق و دراسة: عمرو عبد المنعم سلیم، بیروت: مؤسسة الريان، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.

این اثر با تحقیق عبد القادر احمد عطا، در سال ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م نیز به چاپ رسیده است.

۳. احکام النساء، الشیخ المفید، تحقیق: مهدی نجف، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.

۴. زهرات فقهیه، احمد بن محمد بن عمر الناطقی، تحقیق و شرح: محمد بن ماجد الخطیب، دمشق: دار البیروتی، ۱۴۳۰ ق / ۲۰۰۹ م.

«ذكر اعيان النساء المتقدمات في الفضل و المجتهدات في التعبد»، که در آن زنان برجسته را معرفی می‌کند و از ۴۸ زن نام می‌برد.^۱

پس از ابن جوزی، به نوشته‌ای ویژه در فقه زنان بر نمی‌خوریم تا این‌که رساله سلیمانیه، تألیف ملا ابوالقاسم جرفادقانی (م ۱۰۹۲) تحریر می‌شود که شرح آن را در صفحات آینده خواهیم آورد.

در دوره معاصر، با مطرح شدن مسائل زنان، نگارش در زمینه فقه زنان به صورت جد در دستور کار پژوهشگران قرار می‌گیرد. برخی از این آثار، با عنوان «تفاوت‌های فقهی زن و مرد» نگارش شده و برخی یک دوره فقه استدلالی ویژه زنان را عرضه کرده‌اند که گزارش اجمالی این دو دسته آثار چنین است:

۱. الفروق بین المرأة والمرء، حاج سید علی مولانا تبریزی، ۱۳۷۹ ق / ۱۳۳۸ ش، ۲۳۴ ص، جیبی، فارسی.

نویسنده در این کتاب ۱۷۱ تفاوت فقهی میان زنان و مردان را بر اساس کتب فقهی گرد آورده و آن را متن قرار داده و در پاورقی شواهد و ادله آن را از روایات و یا استدلال‌های فقهی ذکر کرده است. در مقدمه کتاب نوشته است:

چندی قبل در تحت عنوان «الفرق بین المرأة والمرء فی نظر الشرع» مقداری از فروع متفرقه در ابواب کتب فقهیه را که تدریجاً در اوقات مطالعه و مباحثه به نظرم رسیده بود گردآوری کرده و به دلیل هر یک از آنها که فقهای عظام - رضوان الله علیهم - از آیات و اخبار و قواعد مستنبطه از عقل و نقل در مقام استدلال ذکر کرده‌اند اجمالاً اشاره نموده و در این صدد بودم که تجدید نظر کرده رساله فوق‌الذکر را طبع و نشر نموده مورد استفاده برادران دینی قرار دهم.^۲

۱. احکام النساء عبد الرحمن بن علی الجوزی، تحقیق و دراسة و تعليق: علی بن محمد بن یوسف المحمدی استاد مساعد بكلية الشريعة / جامعة قطر، قطر: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية، ۱۹۹۲ م / ۱۴۱۴ ق.

۲. الفروق بین المرأة والمرء ص ۲.

۲. مزایای زن و مرد در اسلام، سید ابوالفضل نبوی قمی، بی تا، بی جا، وزیری، فارسی.

نویسنده در دیباچه کتاب می گوید:

در آبان ۱۳۵۴ شش سال پس از فراغ از مسوده کتاب که در مشهد بودم، کتابی یافتیم به نام الفروق تألیف مرحوم حجة الاسلام آقای حاج سید علی مولانا تبریزی.^۱

ظاهر امر آن است که اصل نگارش در سال ۱۳۴۸ پایان یافته است و تاریخ پایان دیباچه نیز بدان صراحت دارد.^۲ در پایان کتاب که تاریخ قید شده با تعبیر «وقع التألیف والنشر ببلدة قم سال (۱۳۹۱ ق / ۱۳۵۷ ش) رقم خورده است.^۳

نویسنده در این کتاب تفاوت های زن و مرد را در اسلام در زمینه های حقوقی، طبیعی و دینی در ۱۰۸ بند تنظیم و تحلیل کرده است.

در مقدمه کتاب، وجود اختلاف را در جهان کبیر و سایر موجودات، و جهان انسانی و میان افراد بشر بازگو می کند تا به تفاوت های زن و مرد می رسد. آن گاه مستندات این اختلاف را از آیات قرآنی بر شمرده و فلسفه آن را بیان می کند. پس از مقدمه، در فصل نخست، معامله بشر با زنان را در تاریخ، تشریح و در فصل های دوم تا پنجم، امتیازات زن و مرد را در سه حوزه عبادات، معاملات، سیاسات و معاشرت بیان می کند.

۳. فوارق بین الرجل و المرأة تکوینیة و تشریعیة، محمد الرضی الرضوی، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۹۲ ق، ۱۲۴ ص، عربی.

نویسنده در این کتاب تفاوت های زنان و مردان را در ۱۱۶ عنوان طرح و برای هر یک شاهد و دلیلی از متون دینی آورده است.

نویسنده در مقدمه کتاب آورده است:

لا یذهب إلى وهمك أيها القاری الكريم أنَّ الباعث لي علی تألیف هذا الكتاب،

هو الإِزاء بالمرأة و الحطّ من كرامتها، كيف و قد أوصانا الله تعالى في كتابه المجيد بها و أمرنا بمراعاتها و صيانتها و حفظ ما فرض لها من حقوق ... و إنّما غرضي من تأليفه، بيان أنّ المرأة هي ليست كالرجل في نظر الدين الإسلامي الحنيف، بل و لا عند عقلاء البشر و المحقّقين، كما أنّها ليست مثله في الخلقة و الطبايع و العادات، فلا تستحقّ ما يستحقّه الرجل من منصب و مقام. فلا يجوز لها أن تتعدّد حدودها و تخرج من دائرتها و تقف في صفّ الرجل جنباً إلى جنب كما يروعه الطعام، لأنّها أضعف منه قوًى و عقلاً و أقلّ منه نصيباً و حظاً.^۱

۴. المفصل في أحكام المرأة و البيت المسلم، في الشريعة الإسلامية، عبد الكريم زيدان. (چاپ دوم: بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م)، ۱۱ ج.

المفصل في أحكام المرأة و البيت المسلم، نخست در سال ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م به چاپ رسید و در سال ۱۳۷۳ به دریافت جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نائل آمد.

نویسنده کتاب، از اساتید سابق دانشگاه بغداد است و در دانشکده های حقوق، ادبیات و دراسات اسلامی تدریس کرده است. وی تألیف های فراوان دارد که از جمله می توان این کتب را نام برد:

الوجيز في أصول الفقه، أحكام الذميين و المستأمنين، المدخل لدراسة الشريعة، نظام القضاء في الإسلام، مجموعة بحوث فقهية و....

این کتاب، در موضوع خود بی نظیر است؛ زیرا اغلب احکام و مسائل راجع به زن و خانواده را در فقه اسلامی به صورت گسترده گرد آورده است.

مباحث این مجموعه یازده جلدی به نه کتاب تقسیم شده است.

کتاب اول، به عبادات اختصاص دارد و در ضمن چهار باب، مباحث نماز، زکات، روزه و حج را دربر دارد.

کتاب دوم، به نذر و قسم مربوط است که آنها را در ضمن دو باب مطرح کرده است. کتاب سوم، به مباحث ذبح اختصاص یافته است. کتاب چهارم، با عنوان «حظر و اباحه» شامل این ابواب است: صید و تذکیه، اطعمه و اشربه، درمان و دارو، نگاه و لمس و سخن گفتن مردان و زنان، لباس و زینت، تبرج، خانه، لهو و لعب و دفاع از جان، آبرو و مال. پنجمین کتاب، عنوان «حقوق و واجبات» را داراست. در باب اول، حقوق و واجبات و در باب دوم، حقوق به طور عام و خاص و در باب سوم، واجبات زن مطرح گردیده است. عنوان کتاب ششم، «جرائم و عقوبات» است که مباحث اساسی جرمه و عقوبت، انواع جرائم، جرمه تعدی بر جان، جرمه تعدی بر اعضا و تعزیر را در خود جای داده است. کتاب هفتم، به مسائل خانواده اختصاص دارد و موضوعات ازدواج، انواع ازدواج، عده، احکام کودکان و خویشاوندان را در بر دارد. کتاب هشتم، به تصرفات مالی اختصاص داده شده است. کتاب نهم، با عنوان «بیماران و مردگان» از مباحث مربوط به مریض و احکام مرگ بحث کرده است. خاتمه کتاب، به بحثی پیرامون زنان پیامبر، فرزندان پیامبر، اهل بیت پیامبر و رفتار پیامبر در منزل اختصاص یافته است. نویسنده، هدف از نگارش را در مقدمه چنین بیان داشته است:

انگیزه نگارش این کتاب، در درجه نخست آشنا ساختن زن مسلمان با احکام دینی اش بوده تا طبق آن عمل نموده و دیگران را بدان دعوت کند.

انگیزه دیگر، آشنا ساختن مسلمین است با احکام خانواده از نگاه اسلام و چگونگی شکل‌گیری خانواده بر پایه اسلام.^۱

۵. الأحكام التي تخالف فيها المرأة الرجل، سعد بن شارع بن عوض الحرّبي، رياض: دار العلم، ۱۹۹۵ م.^۱

۶. بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، محسن جهانگیری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش، وزیری، ۴۱۶ ص، فارسی.

نویسنده، پس از مقدمه‌ای در تبیین مسئله، کتاب را به پنج بخش تقسیم کرده و در هر کدام فصولی را آورده است.

بخش اول، با عنوان «ضرورت‌ها» عدالت و مساوات و نسبت آن دو و جانب‌داری اسلام از عدالت را بررسی کرده است. بخش پنجم را در پاسخ به پاره‌ای شبهات سامان داده است و پس از اشاره به تفاوت‌های خلقتی زن و مرد در دوازده عنوان، شبهات تفاوت قصاص، دیات و حجاب را پاسخ گفته است.

در بخش دوم و سوم، تفاوت‌های فقهی زنان و مردان در دو حوزه تکالیف و حقوق را آورده و تفاوت‌های فقهی را بر پایه کتاب جواهر الکلام استخراج و نقد و بررسی کرده است. نویسنده در این دو بخش، برخی از تفاوت‌های موجود را نقد می‌کند و برخی را می‌پذیرد.

بخش چهارم، مقایسه تکالیف و حقوق زنان و مردان و حاصل مباحث بخش‌های دوم و سوم است که نتایج حاصله را در دو عنوان «تفاوت‌های مرد و زن به عنوان دو جنس» و «تفاوت‌های زن و مرد به عنوان زن و شوهر» جمع‌بندی کرده و معتقد است تعداد تفاوت‌ها اندک است و آن هم با توجه به تفاوت‌های خلقتی، عادلانه است.

تعداد تفاوت‌های تکلیفی و حقوقی زن و مرد که در بخش‌های دوم و سوم مطرح کرده ۵۱ مورد است که نویسنده پس از نقد و بررسی آنها تعدادی از تفاوت‌ها را پذیرفته و آن را عادلانه می‌داند.

۷. جامع أحكام النساء، مصطفى العدوی، قاهره: دار ابن عفان، ۲۰۰۰ م / ۱۴۲۰ ق.

ج ۵

۱. معرفی این اثر را در فهرست منابع کتب دیده‌ام، ولی تاکنون بر آن دست نیافته‌ام.

نویسنده در این مجموعه پنج جلدی، احکام و مسائل اختصاصی زنان را گرد آورده و به ترتیب کتب فقهی سامان داده است. در مقدمه می‌گوید که پس از شناسایی موضوعات و مسائل و تبویب آنها، در هر موضوع، احادیث صحیح و ثابت را ذکر می‌کند و سپس تفسیر آیات و نیز دیدگاه‌های اهل علم را در باره آیات می‌آورد و سپس دیدگاه فقیهان را نقل می‌کند. البته در هر مسئله، تحلیل و بررسی و نیز ترجیح صواب را بر آنچه قابل مناقشه و خدشه است و وجه نظر قرار می‌دهد.

فهرست موضوعات در مجلدات پنج‌گانه بدین شرح است:

جلد اول: طهارت، صلات، جنایز.

جلد دوم: [ادامه] جنایز، صدقات، نفقات، هبات، صوم، اعتکاف، حج و عمره.

جلد سوم: نکاح و متعلقات آن.

جلد چهارم: طلاق، آداب، لباس و زینت.

جلد پنجم: پرسش‌ها و پاسخ‌ها در مسائل زنان به ترتیب ابواب فقهی.

۸. *أوجه الاختلاف بين المرأة والرجل في أحكام الشريعة الإسلامية والقانون*

الوضعي، محمد ممدوح صبری الطباخ، قاهره: دار النهضة العربية، ۱۴۳۰ ق / ۲۰۰۹ م.

نویسنده کتاب، تفاوت‌های زنان و مردان را در چهار حوزه عبادات، معاملات، احوال شخصیه، ولایات و امور سیاسی و قانون مصر به صورت استدلالی و اجتهادی بررسی کرده است.

رویکرد مؤلف در غیر از اختلافات مسلم و مشهور، جانب‌داری از حقوق زنان

است و اقوال و دیدگاه‌های به سود زنان را ترجیح می‌دهد.

۹. *الفروق الفقهية بين الرجل والمرأة في الأحوال الشخصية، عبد الله عبد المنعم*

العسيلي، اردن: دار النفائس، ۱۴۳۲ ق / ۲۰۱۱ م.

نویسنده، تفاوت‌های فقهی زنان و مردان را تنها در محدوده احوال شخصیه

بررسی کرده است. وی این تفاوت‌ها را در پنج فصل و در مجموع در ۲۱ تفاوت به

بحث گذارده است.

رویکرد نویسنده، تحلیلی - اجتهادی است و از دیدگاه‌های مشهور فقهی دفاع می‌کند.

در این سال‌های اخیر، کتاب‌هایی نیز به گردآوری احکام زنان در قالب رساله‌های عملیه، به فارسی و عربی، در شیعه و اهل سنت تدوین شده که فهرست برخی از آنها بدین قرار است:

۱. احکام النساء طبقاً لفتاوی المراجع العظام رضا قربانیان، بیروت: دار الهادی، ۱۹۹۷ م / ۱۴۱۷ ق، ۲۱۵ ص.

۲. الأحکام الشرعیة فی الفتاوی النسائیة عبد العزیز بن باز، تحقیق و تعلیق: اسامه بن عبد الفتاح البطحہ، قاهوه: دار التقوی، [۱۴۱۸ ق]، ۱۶۰ ص.

۳. احکام النساء، السید صادق الحسینی شیرازی، قم: سلسله، ۱۴۲۶ ق، ۲۰۸ ص.

۴. احکام النساء (الحیض، الاستحاضه، النفاس) علی رأی المرجع العظام، السید شریف سید العاملی، بیروت: دار المناهل، ۲۰۰۵ م / ۱۴۲۶ ق، ۱۱۱ ص.

۵. ۶۲۰ سؤال فی احکام النساء، عبد الصاحب الامیری، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۲۰۰۶ م / ۱۴۲۷ ق، ۱۶۷ ص.

۶. احکام بانوان، یوسف صانعی، قم: مبین، ۱۳۷۷ ش، ۲۴۸ ص.

۷. رساله احکام بانوان، محمد تقی بهجت فومنی، به کوشش: علی رضا گرم آبدشتی، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹ ش، ۱۷۵ ص.

۸. احکام بانوان ناصر مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان‌نژادی، ۱۳۸۴ ش، ۲۴۸ ص.

این کتاب، با عنوان زیر تعریف شده است:

رسالة احکام النساء مکارم شیرازی، اعداد: ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ ق، ۲۶۴ ص.

دوم. آشنایی با ابوالقاسم جرفادقانی

ملا ابوالقاسم جرفادقانی،^۱ از فضلا و دانشمندان سده یازدهم هجری است که او را

۱. جرفادقان از نام‌های کهن گلبایگان است و مؤلف در آغاز کتاب مناهج المؤمنیه خود را ابوالقاسم بن

فقیه، متکلم، حکیم و ادیب شمرده‌اند.

.. میرزا عبد الله افندی، در ریاض العلماء نام وی را با تعبیر «العالم العابد الورع المعاصر الذی کان بجر فادقان من بلاد العجم» شتوده است.^۱
صاحب روضات الجنات بر پایه گزارش ملا کلب علی تبریزی، برخی از دانشمندان

«محمد گلپایگانی معرفی کرده است (فهرست کتابخانه‌های آیه الله گلپایگانی، ج ۸، ص ۴۶۶۶، ش ۲/۱۶۲/۲۲۷۲، رساله اول).

یا قوت درباره جرباذقان می‌گوید:

جرباذقان، نام دو جایگاه است

اول، شهری است بین کرج و همدان، و ایرانیان آن را «دزیایکان» نامند. و گروه بزرگی از خداوندان علم و کتابت از آن برخاسته‌اند. از منسوبیات بدان، قاضی ابوالحمد عبید الله، پسر احمد، پسر اسماعیل، پسر عبد الله عطار جرباذقانی که قاضی آن‌ها بود (به روایت ابوبکر، پسر مردویه اصفهانی).
دوم، جرباذقان شهری است میان استرآباد و جرجان (برگزیده مشترک یا قوت حموی، ص ۵۱ و ۵۲).

همو در کتاب معجم البلدان چنین آورده است:

جرباذقان، بالفتح والعجم، بقولان گرباذگان، بلدة قریبة من همدان و بین الکرج و اصفهان، کبيرة مشهورة... (آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۴۱).

سید احمد کسروی در مجله پیمان (سال چهارم، ص ۱۳۲، چهل مقاله) درباره وجه تسمیه و اجزای نام گلپایگان نوشته است:

کلمه گلپایگان، در اصل «ورد پاتکان» بوده و این کلمه مرکب از سه جزء است: ورد، پات، کان.

... در علم زبان‌شناسی پارسی آمده است که بسیاری از «واو»ها در زبان فارسی قدیم در زبان امروزی تبدیل به «گاف» شده است؛ مانند کلمه‌های: گزند، گراز و گرگ، که در اصل، وزند، وراز و ورگ بوده‌اند.

«و» ورد هم تبدیل به گاف شده و کلمه «گارد» یا «گرد» ساخته شده است.

چنان که گلپایگان راه هم در اواخر ساسانیان و اوایل اسلام، «گردپاذکان» می‌گفتند و تازیکان معرب نموده

«جردپاذکان» نامیده‌اند. سپس طبق قواعد دیگری در زبان‌شناسی، «راء» و «ذال» تبدیل به «لام» شده و

کلمه «گارد» مبدل به «گال» و پس از آن مبدل به «گول» و سپس مبدل به «گل» شده و بالاخره «ورد پاتکان»،

گلپایگان گردیده است؛ یعنی شهر «گلپاد» و چنان که می‌دانیم گلاب از نام‌های معروف ایرانی است

(جهت آگاهی بیشتر رک: گلپایگان در آینه تاریخ، ص ۱۲۹-۱۵۷).

۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۴۹۶. البته عمده این عبارت از نسخه چاپی ریاض العلماء افتاده

است. رک: مرآة الکتب، ص ۲۱۶.

و فضلاء مدرسه شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی را معرفی کرده که از آن جمله است ملا ابوالقاسم جرفادقانی.^۱ متن عبارت وی چنین است:

و لو أردت عدّ أسماء الفضلاء الذين كانوا في تلك المدرسة المباركة لطال الكلام، أقول: و من جملة أولئك الفضلاء أيضاً، كما حكاها لنا سلفنا الصالحون، هو الفاضل المحقق المتكلم الحكيم الفقيه البارع الأديب، المولى أبو القاسم بن محمد ربيع الجرفادقاني، صاحب المصنّفات الكثيرة في الحكمة و الكلام و الفقه و الأصول و الحواشي و التعليقات اللطيفة على كثير من كتب المعقول و المتقول. و عندنا بخطه الحسن الشريف شرح القوشجي على التجريد، مخشّى بتعليقاته اللطيفة التي كتبها عليه بخطه الشريف من أوله إلى آخره.

و قد ذكر العلامة المجلسي صورة إجازة المولى المذكور للمولى مهرعلي الجرفادقاني في المجلد الآخر من البحار. و هو يروي فيها عن السيّد الأمير قاسم الحسنی الحسيني القهپائي أولاً ثم يقول: و عن المولى محمد تقي، المعروف الشهير بالمجلسي - حفظه الله تعالى عن طوارق الحدّثان إلى يوم الدّين - . و حينئذ فلا يبعد تلمّذه لديهما أيضاً. و له - رحمه الله - أيضاً ذكر في رياض العلماء.

و لما ينقطع العلم و الفضيلة إلى هذا الزمان من أهل بيته النجباء النقباء الرؤساء في أمور دين الله في بلده المشار إليها، و قد كان بين بعض من تقدّم من آبائنا الفضلاء و بينهم قرابة سبب اورثت نسبة بنوة الخالة فينا إلى هذه الأوان.^۲

از سال ولادت او اطلاعی در دست نیست لکن می توان با توجه به چند نسخه خطی که جرفادقانی در سال ۱۰۳۸ تحریر کرده است و این که او در سال ۱۰۹۲ قمری

۱. ملا محمد زمان بن ملا کلب علی تبریزی (زنده در ۱۱۲۷ ق)، کتاب فرائد القوائد في أحوال المدارس و المساجد را در ایام حضورش در مدرسه شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی (م ۱۰۳۲ ق) تألیف کرده (الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۴۲) و اسامی دانشمندان و فضلاء را که در این مدرسه تربیت شده اند، آورده است. صاحب روایات به برخی از این افراد اشاره می کند که از جمله آنها ملا ابوالقاسم بن محمد ربيع جرفادقانی است. ۲. روایات الجنات، ج ۳، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

اساتید و شاگردان

از استادان و شاگردان وی نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. لکن بر پایه اجازه‌اش به ملا مهر علی جرفادقانی، به دست می‌آید که از دو تن از عالمان آن دوره اجازه روایت داشته است که عبارت اند از:

۱. سید سراج الدین قاسم (محمد قاسم) بن محمد حسنی حسینی طباطبایی قهپایی اصفهانی (م ح ۱۰۶۰ ق).

اصل وی از کوهپایه اصفهان است و از شاگردان شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) و ملا عبد الله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) و از مشایخ علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) و شیخ محمد علی اردبیلی، صاحب جامع الرواة است.

۲. علامه محمد تقی بن مقصود علی نطنزی اصفهانی، مجلسی اول (م ۱۰۷۰ ق). وی مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد.

البته معلوم نیست که جرفادقانی نزد این دو نفر تلمذ کرده یا فقط اجازه روایت داشته است.

گفتنی است جرفادقانی در برخی از آثار خود، از شیخ بهایی به عنوان «شیخنا» یاد کرده است ولی با توجه به فوت شیخ بهایی در ۱۰۳۰ قمری بسیار بعید است که شاگرد بلا واسطه وی بوده باشد، بلکه در مرتبه شاگردان شیخ بهایی از قبیل سید قاسم قهپایی و مجلسی اول قرار می‌گیرد؛ زیرا فوت جرفادقانی ۱۰۹۲ ق بوده است و چنان که پیشتر آوردیم برخی نسخه‌ها را در جوانی و در دوزان تحصیل در سال ۱۰۳۸ در زمان حضور در اصفهان کتابت کرده است که هشت سال از وفات شیخ بهایی گذشته است. از شاگردان وی به جز ملا مهر علی که به وی اجازه روایت داده است، می‌توان به

۱. شهری است تاریخی در ۷۰ کیلومتری اصفهان. از شمال با اردستان، از شرق با نائین و از غرب با اصفهان ارتباط دارد. نام قدیمی آن «ویر» است که در لغت محلی منطقه به معنی «هوش و ذکاوت» است. عنایت الله قهپایی (م ح ۱۰۲۶ ق)، مؤلف رجال قهپایی از مشهورترین دانشمندان این منطقه است. این منطقه را نباید با کوهپایه کرمان اشتباه کرد.

فرزندش محمد که به درخواست او کتاب مسالک الدین و محاجّ المؤمنین را تحریر کرد^۱ و نیز آقا سلیمان قمی که به خواهش او کتاب سلیمانیه را نوشته است یاد کرد.

آثار و تألیفات

از آن چه شرح حال نگاران در مورد جرفادقانی نوشته اند معلوم می شود او در علوم و دانش های مختلفی تبخّر داشته است. صاحب روضات او را «صاحب المصنّفات الكثيرة في الحكمة و الکلام و الفقه و الأصول و الحواشي و التعليقات اللطيفة علی كثير من كتب المعقول و المنقول» معرفی می کند.

فهرست آثار و نوشته هایی را که از وی شناخته ایم، چنین است:

۱. حاشیه علی الشرح الجدید للتجريد.

اصل کتاب تجريد الکلام فی تحرير عقاید الإسلام از متکلم بزرگ اسلام، خواجه نصیر الدین محمد طوسی (م ۶۷۳ ق) است. این کتاب، حواشی، شروح و تعلیقات بسیار زیادی از دانشمندان شیعه و اهل سنت دارد.

از مهم ترین و معروف ترین این شروح، شرح علامه علاء الدین علی بن محمد قوشچی (م ۸۷۹ ق) از متکلمان اهل سنت است که به شرح جدید معروف شده است. چنان که شرح شیخ شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی (م ۷۴۶ ق) به شرح قدیم معروف است.^۲

جرفادقانی بر شرح تجريد قوشچی (شرح جدید) حاشیه دارد.^۳ صاحب روضات گزارش کرده که نزد وی نسخه ای از شرح تجريد به خط جرفادقانی موجود است که تعلیقات لطیفی از کاتب دارد. عبارت صاحب روضات چنین است:

إنّ عندنا نسخة من الشرح الجدید بخطّ المولى أبی

القاسم المذكور، و علیها تعلیقاته اللطيفة كتبها علیه بخطّه من أوّله إلى آخره.^۴

۱. فهرست نسخه های عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۶۳، ش ۱۰۲۶.

۲. رک: الذریعه، ج ۳، ص ۳۵۳ و ۳۵۴. ۳. الذریعه، ج ۶، ص ۱۱۳.

۴. روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲. مناہج العلیہ.

این اثر، کتابی است به فارسی در علم کلام و عقاید و مناظرات که مؤلف، شرح مباحث و گفتگوهای خود را با علما و دانشمندان فرق اسلامی در آن آورده است. مؤلف در مقدمه آورده است که بعد از فراغت از تحصیل در اصفهان در عهد حکومت شاه جهان، به هند سفر کرده است. از درباریان شاه جهان، نواب آصف خان طهرانی بوده که مجالس علم و مناظره ترتیب می‌داده است. جرفادقانی به وسیله علاء الملک تونی به این مجلس راه پیدا می‌کند و مدت زیادی در این محفل حضور داشته و با افرادی همچون ملا عبد الحکیم سیالکوتی (م ۱۰۶۷ ق)، شیخ عبد الرحیم جانپوری و ملا عبد الواسع که، بحث و مناظره داشته است. سه نکته درباره این کتاب قابل ذکر است:

اول. بنا به گزارشی که علامه تهرانی در الذریعه از مقدمه این کتاب نقل نموده است،^۱ جرفادقانی این اثر را در قبال کتاب البراهین البهیة از امام فخر رازی تألیف کرده است. با رجوع به منابع و مآخذ شرح حال و آثار فخر رازی، هیچ اشاره‌ای به چنین کتابی از او دیده نشد. البته آیه الله استادی نام کتاب فخر رازی را البراهین الفخریة ذکر نموده‌اند^۲ که از آن کتاب هم نشانی سراغ نداریم.

دوم. این کتاب به شیخ علی خان زنگنه،^۳ وزیر دربار صفوی هدیه شده است و از

۱. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۴۸.
 ۲. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، ص ۲۱۸.
 ۳. آن گونه که خاتون آبادی در وقایع السنین والاعوام نوشته، شیخ علی خان در ۱۰۲۰ ق به دنیا آمده است (وقایع السنین والاعوام، ص ۵۳۰).
- او در ۱۰۴۷ ق به میر آخور باشی (در تشکیلات حکومتی ایران قبل از اسلام و بعد از آن به معنای رئیس پرستاران ستور و بویژه اسب و متصدی خدمات مربوط به اصطبل‌های حکومتی) بوده است و در عصر صفوی یکی از چهارده منصب درجه اول دولتی بوده است. ربک: «آخور سالار» هادی عالم زاده، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (حکومت صفوی و در نهم جمادی الاولی ۱۰۴۹ ق - پس از فوت برادرش شاهرخ سلطان - به امارت ایل زنگنه رسید (خلاصة السیر، خواجگی اصفهانی، ص ۲۸۶؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، ص ۲۵۹).
- او حدود سال ۱۰۶۴ ق به حکمرانی کرمانشاه منصوب شد و به عمران و آبادی آن دیار پرداخت. و ظاهراً در

این رو به البراهین العلیه نام بردار است.^۱
 سوم. سه دست نوشته از این کتاب گزارش شده است.
 اول. نسخه ای در کتابخانه حاج علی محمد نجف آبادی،^۲ که بعدها به کتابخانه
 تستریه نجف اشرف (حسینیّه شوشتری ها) منتقل و وقف شده است.^۳
 دوم. نسخه ای در کتابخانه مجلس.^۴

« سال ۱۰۸۰ ق به مقام صدر اعظمی دربار صفوی در حکومت شاه صفی دوم یا شاه سلیمان (۱۰۷۷- ۱۱۰۶ ق) نائل شد (وقایع السنین والاعوام، ص ۵۳۱، تذکره صفویه کرمان، مشیری بردسیری، ص ۳۵۵). البته در سال انتصاب او به وزارت اختلاف است. رک: «پژوهشی در باره شیخ علی خان زنگنه»، علی رضا کریمی، حکومت اسلامی، ش اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

او در ۱۰۸۲ ق شاید به خاطر مخالفت با میگساری شاه سلیمان و یا مقاومت در برابر امر شاه به میگساری عزل شد و سال بعد دوباره به خدمت بازگشت و سال های طولانی که از بلند مدت ترین دوره های وزارت در عهد صفوی است - وزیر اعظم و اعتماد الدوله (وزیر اعظم عالی ترین مقام دولتی در حکومت شاه عباس صفوی بود. رک: «اعتماد الدوله»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی) بود.

منابع تاریخی و شرح حال، معمولاً او را به تقیدات دینی و پایبندی به دستورات شرع و هم چنین عقل و درایت، آرامش، ملائمت و وقار و جدیت در رسیدگی به امور رعیت و دوری از تجمل و عیش و نوش ستوده اند که این همه باعث ایجاد اصلاحات اساسی در ساختار اداری، اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور گردید. استاد باستانی یاریزی درباره او نوشته است: «کوشش داشت همیشه شخصیت و استقلال خود را در برابر شاه حفظ کند. او شب ها با لباس میدل در محلات گردش می کرد و از اوضاع مملکت خبردار می گردید و به فقرا و ضعفا و طلاب علوم دینی و ایتم، بذل و بخشش می کرد. حمایات نیکو و ریاطات در شهرها و عرض راه اعتاب مقدسه بنا کرده است. هرگز با وجود اصرار شاه، لب به مشروب نمی زد و می گفت: شاه بر جان من حق دارد، اما بر دین من حق ندارد» (سیاست و اقتصاد عصر صفوی، باستانی یاریزی، ص ۳۴۷).

اعتماد کامل شاه سلیمان، حمایت کامل ایل زنگنه و هم چنین پشتیبانی مادر شاه و حرم خانه دربار از شیخ علی خان، در کنار درایت و ریزی بی او، باعث شد دشمنی و خصومت افراد از کار بیفتد و وزیر تا پایان عمر، قدرت و اقتدار خود را حفظ کند. ظاهر او در ۱۱۰۰ ق درگذشت (تذکره صفویه کرمان، ص ۵۶۲).

۱. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۴۸. ۲. همان جا.

۳. نشریه نسخه های خطی، ج ۱۱، ص ۸۲۴، ش ۲۹. قابل ذکر است که در این فهرست، نام کتاب «مناهج علیه در بیان مذهب اثنا عشریه» ثبت شده است.

۴. فهرست مختصر نسخه های خطی، ص ۸۰۳، ش ۱۰۴۸۳. آگاهی ما از بسیاری از این نسخه ها به مدد تألیف و

سوم. نسخه‌ای در کتاب‌خانه خصوصی مرحوم حاج شیخ علی خوانساری در تهران.^۱
این کتاب در پنج فصل تدوین شده و آغاز آن چنین است:

«سیاس و ستایش پروردگاری را سزد...»^۲

۳. حاشیه حاشیه الدوانی القديمة علی شرح التجرید.

علامه ملا جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (م ۹۰۷ ق)، چند حاشیه بر شرح تجرید قوشچی دارد و بر حواشی او نیز حاشیه‌های زیادی نوشته شده است.^۳
جرفادقانی نیز بر حاشیه قدیم دوانی، حاشیه‌ای نگاشته است که نسخه‌ای از آن در کتاب‌خانه علامه سید احمد روضاتی در اصفهان موجود است.^۴

۴. منهاج المؤمنیه در اصول دین یقینیه.

این اثر، رساله مفصلی است به فارسی در کلام و اعتقادات که مؤلف به درخواست حاج محمد گلپایگانی و به نام شاه سلطان سلیمان صفوی (۱۰۴۵-۱۰۷۳ ق) نگاشته است. این کتاب در یک مقدمه و پنج باب و یک تکمله تدوین شده که عناوین باب‌های آن چنین است:

۱. باب اول در توحید و اثبات آن.

۲. باب دوم در عدل.

۳. باب سوم در اثبات نبوت.

۴. باب چهارم در اثبات امامت.

۵. باب پنجم در معاد.

↔ اثر گران قدر حجة الاسلام والمسلمین مصطفی درایتی و همکارانشان است که خدمت بزرگی به عالم کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی کرده است. برای این نسخه، ر.ک: فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۹، ص ۵۳۴.

۱. مجله نور علم، سال دوم، ش ۴، ص ۱۱۶. ۲. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۴۸.

۳. ر.ک: الذریعه، ج ۳، ص ۳۵۳.

۴. فهرست کتاب‌خانه سید احمد روضاتی، ص ۱۹، ش ۱۰.

تنها نسخه شناسایی شده این کتاب، در کتاب خانه آیه الله گلپایگانی قم نگهداری می شود. آغاز آن چنین است: «الغَرَّ المحجلین علی بن اُبی طالب ... اما بعد، چنین گوید مؤلف این رساله و محرّر این مقاله ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی که اجماع کرده اند ...»^۱

آیه الله استادی از این کتاب با عنوان اصول دین یاد کرده است.^۲ صاحب ریاض العلماء از آثار جبرفادقانی رساله ای فارسی در اصول دین نام برده است.^۳ به احتمال قوی منظور صاحب ریاض از این عنوان، همین کتاب مناہج المؤمنیمای باشد که فارسی و در اصول دین و عقاید است. و العلم عند الله.
۵. مناسک حج.

رساله مختصری در احکام حج است که به درخواست جمعی از مؤمنان، در یک مقدمه و ده فصل و یک خاتمه تدوین شده است. تنها نسخه ای که از آن می شناسیم در کتاب خانه آیه الله گلپایگانی قم نگهداری می شود و آغاز آن چنین است:

بسم الله، الحمد لله رب العالمین و الصلوة ... چنین گوید محرّر این رساله ... ابو القاسم بن محمد جبرفادقانی که بعضی از اعزّه از این کمینه ... که مختصری مشتمل بر واجبات و ضروریات حج و بعضی از مندوبات ... مشتمل است بر مقدمه و ده فصل و خاتمه. مقدمه در بیان تعریف حج.^۴

۶. حاشیه علی تفسیر البیضاوی.

عبد الله بن عمر بن محمد، معروف به قاضی بیضاوی، از بزرگ ترین دانشمندان و

۱. فهرست کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج ۸، ص ۴۶۶۶، ش ۱۲/۱۶۲/۲۲۷۲، رساله اول.

۲. دانشمندان گلپایگان، ج ۲، ص ۲۱.

۳. این مطلب را تبریزی در مرآة الکتاب از ریاض العلماء و حیاض الفضلاء نقل کرده است ولی در ریاض چاپ شده، موجود نیست رک: مرآة الکتاب، ص ۲۱۵.

۴. فهرست کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج ۸، ص ۴۵۸۶، ش ۳۸/۲۲۵/۷۶۰۵، رساله اول.

مفسران اسلامی در قرن هفتم هجری است. به تفسیر او با عنوان انوار التنزیل و اسرار التأویل از زمان تألیف، توجّه و اقبال شده و حواشی، شروح و تعلیقات زیادی بر آن نوشته شده است. از جمله این حاشیه‌ها، اثر جرفادقانی است.^۱

۷. حاشیه علی الروضة البهية.

مهم‌ترین و معروف‌ترین شرحی که بر کتاب اللعة الدمشقية، اثر شیخ محمد بن مکّی (م ۷۸۶ ق) معروف به شهید اول، نوشته شده است، الروضة البهية في شرح اللعة الدمشقية اثر زین الدین علی بن احمد عاملی (م ۹۶۶ ق) معروف به شهید ثانی است. بر کتاب اخیر، حواشی و تعلیقات زیادی نوشته شده است که از جمله آنها اثر ابوالقاسم بن محمد جرفادقانی است.^۲

جرفادقانی در مسالک الدین خود، از تألیف دیگرش به نام حاشیه علی الروضة البهية یاد کرده است.^۳

۸. مسالک الدین و محاجّ المجتهدین.

در مصادر شرح حال و ترجمه جرفادقانی، نامی از این کتاب برده نشده است، ولی به برکت فهرست‌نامه‌های نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌ها که خزینه‌ای از اطلاعات تازه‌یاب و نوهستند، آگاهی خوبی نسبت به این اثر و نویسنده ارجمند آن حاصل می‌شود.

علامه آقا بزرگ تهرانی به استناد گزارش مرحوم آیه الله آقا نجفی مرعشی همین کتاب را معرفی کرده است، ولی از مؤلف آن اطلاع نداشته است و تنها او را از علمای سده دوازدهم هجری دانسته است.^۴

چهار نسخه در سه کتاب‌خانه ایران از این اثر معرفی شده است. از گزارشی که سه فهرست‌نگار محترم این نسخه‌ها نوشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که مرحوم

۱. موسوعة مؤلفی الامامیه، ج ۲، ص ۵۱۰. همان.

۳. فهرست کتب خطی آستان قدس، ج ۵ (چاپ جدید)، ص ۶۲۲.

۴. الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۸۱.

جرفادقانی کتاب مفصل و بزرگی به نام مسالک الدین و محتاج المجتهدین به سبک و سیاق کتاب معالم الدین و ملاذ المجتهدین نوشته است که در ابتدا، اصول فقه و در ادامه، مباحث فقهی آمده است.

این کتاب شامل پنج مسلک به شرح زیر است:

مسلک اول: اصول فقه.

مسلک دوم: عبادات.

مسلک سوم: عقود.

مسلک چهارم: ایقاعات.

مسلک پنجم: احکام.^۱

نسخه‌های شناسایی شده عبارت‌اند از:

یکم. نسخه‌ای از المسلک الاول به خط مؤلف که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.^۲

آغاز این نسخه چنین است: «الحمد لله رب الارباب وخالق السماوات».

دوم. نسخه‌ای دیگر از المسلک الاول، که همان نسخه معرفی شده در الذریعه و

فهرست عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی است که نام مؤلف شناخته نشده است. این نسخه به خط و حواشی مؤلف دانسته شده است.^۳

سوم. المسلک الثانی نام جلد دوم این مجموعه است که در فقه استدلالی نگارش یافته است. این جلد مشتمل بر هشت کتاب فقهی به شرح ذیل است:

کتاب اول: طهارت.

کتاب دوم: صلاة.

۱. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۶۳.

۲. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، ص ۲۱۸، ش ۱۳۱۴.

۳. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۶۳-۶۴، ش ۱۰۲۶. اصل این نسخه نزد آیه الله مرعشی بوده است و اکنون فقط عکس آن معرفی شد و از اصل اطلاعی نداریم. صاحب الذریعه

کتاب سوم: زکاة.

کتاب چهارم: خمس.

کتاب پنجم: صوم.

کتاب ششم: الحججات.

کتاب هفتم: اعتبارات.

کتاب هشتم: جهادات.

آغاز این نسخه چنین است: «الحمد لله رب العالمين و الصلوة على سيد الاولين و
الآخرين محمد خاتم النبيين و على آله ... اما بعد».^۱

چهارم. نسخه‌ای دیگر از این مجموعه باز هم در کتابخانه آستان قدس رضوی
گزارش شده است. این نسخه نیز شامل صلاة يومية از المسلك الثانى و مرتب بر
مقدمه، سه باب و يك خاتمه با این عناوین است:

۱. اما المقدمة ففي تعريف الصلاة مطلقاً و...

۲. الباب الاول من كتاب الصلاة في ما بقي من مقدماتها و هي أربعة و فيه فصول.

۳. الباب الثاني من كتاب الصلاة في بيان الأذان و الإقامة و فيه مقاصد.

۴. الباب الثالث من كتاب الصلاة في بيان مقارنات الصلاة من أجزائها و أركانها و
شرايطها و فيه فصول.

آغاز این نسخه چنین است:

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد أفضل المرسلين و
خاتم النبيين و على آله و عترته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما على أمير
المؤمنين و يعسوب الدين

این نسخه نیز حاشیه‌هایی از مؤلف با امضای «منه عفى عنه» دارد.^۲

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، ج ۷، ص ۲۶۲-۲۶۳، ش ۲۹۴/ع.

۲. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۵ (چاپ جدید)، ص ۶۲۲-۶۲۳،

ش ۵۷۲۱ و ج ۲۰، ص ۴۳۶.

با این چهار نسخه، دو مسلک از مسالک الدین، کامل می‌شود ولی از وضعیت مسلک‌ها و یا جلدهای بعدی کتاب اطلاعی نداریم.

۹. رساله سلیمانیه یا أحكام النساء.

رساله حاضر که در آینده آن را به تفصیل معرفی می‌کنیم.^۱

کتابت چند نسخه خطی

چند نسخه خطی در کتاب‌خانه‌های ایران می‌شناسیم که به احتمال قریب به یقین توسط ملا ابوالقاسم جرفادقانی کتابت و تحریر شده است. محل کتابت برخی از این نسخه‌ها نشان از حضور جرفادقانی در سال ۱۰۳۸ ق در اصفهان و در سال ۱۰۵۱ ق در لاهور دارد. این دست‌نوشته‌ها عبارت‌اند از:

۱. دست‌نوشته‌ای از شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، از محقق حلی (م ۶۷۶ ق)، در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، به خط ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی، در تاریخ ۱۰۳۸ ق.^۲

۲. دست‌نوشته‌ای از حاشیه بر تهذیب المنطق و الکلام، از جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (م ۹۰۷ ق)، در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، به خط نستعلیق ابوالقاسم جرفادقانی، در تاریخ ۱۰۳۸ ق در اصفهان.^۳

کتاب‌های تهذیب المنطق و شرایع الإسلام، هر دو از متون درسی و متداول حوزه‌های علمیه بوده است و بسیاری از طلاب از این کتاب‌ها برای خود نسخه‌ای تحریر می‌کرده‌اند. از آن جا که جرفادقانی در حوالی سال ۱۰۹۲ ق درگذشته است،

۱. حاشیه‌ای بر دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام و نثر اللالی از ابوالقاسم گلپایگانی در سال ۱۲۷۱ قمری به چاپ رسیده که آیه الله استادی احتمال داده‌اند از همین نویسنده یعنی ملا ابوالقاسم بن محمد جرفادقانی باشد ولی چنان که گفته‌اند هیچ دلیلی بر نفی و اثبات نداریم. ر.ک: دانشمندان گلپایگان، ج ۲، ص ۲۰.

۲. فهرست اهدایی، ص ۱۴۲، ش ۱۴۳۷؛ فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۳۷۱.

۳. فهرست القبای کتب خطی، ص ۱۸۷، ش ۱۱۰۵۶؛ فهرست آستان قدس، ج ۱۱، ص ۴۴۲؛ فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۴، ص ۸۴.

معلوم می‌شود این دو کتاب را در ۱۰۳۸ ق در دوره تحصیل خود در اصفهان و در زمان جوانی کتابت کرده است.

۳. دست‌نوشته‌ای از مصائب النواصب لنقض نواقض الروافض، از قاضی نورالله حسینی شوشتری (م ۱۰۱۹ ق)، در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی، به خط نستعلیق ابوالقاسم جرفادقانی، در تاریخ ۱۰۵۱ ق در لاهور.^۱

اجازه جرفادقانی به شاگردش مولا مهر علی جرفادقانی

آگاهی ما نسبت به اساتید و مشایخ مؤلف، بسیار اندک است و آن چه می‌دانیم از اجازه‌ای است که او به شاگردش ملا مهر علی جرفادقانی (قرن ۱۲ ق) داده است. خوش‌بختانه علامه عالی قدر مجلسی، متن این اجازه را در بحار الأنوار ذکر کرده است. به جهت اهمیت و اختصار منبع، متن این اجازه را از بحار الأنوار می‌آوریم.

صورة إجازة المولى أبي القاسم الجرفادقاني للمولى علي الجرفادقاني

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي منّ على عباده بالحجج والبيّنات، إذ بعث فيهم الرسل من أنفسهم، وأظهر على أيديهم المعجزات، وأنزل عليهم الكتب المحتوية على أم الكتاب وغيره من المشابهات، وأزاح عنهم بخلق ما ركب فيهم من القوى والغرائز والآلات، وأمرهم بسؤالهم أهل الذكر منهم عند الحيرة والجهالات، وسنّ لهم سنّة التدريس والتدريس لتقرير الواضحات، ليوصل به إلى إيضاح المبهمات. ثم بعد الفترة وطول الهجرة واعتراض الفتنة وانبساط الجهل وانتقاض المبرمات، أرسل إليهم رسولاً من ضلّى بنى عدنان ما سبقه في الفضائل قط ولا يسبقه فيها عوض الثقلان ما دام الجديدان وتحرك الفرقدان من النسمات، وأنزل عليه قرآناً غير ذي عوج، فيه لبّ ما في الصحف الأولى من حقه الاعتقادات وفيه تبيان كل شيء وخبر الأرضين والسموات، مشتملاً على ما كان من القصص والحكايات، محتوياً على ما هو كائن وما سيكون من المكنونات.

فأبرز لهم غوامض الحقائق، و لطائف الدقائق، ليتجلى لهم ما في عالمي الملك و الملكوت من الخفايا و الخبيات، و مهّد لهم قواعد الأحكام و أوضاعها من نصوص الآيات ليتخلّوا عن الرذائل و يتحلّوا بالفضائل و الكمالات، و بيّن لهم جميع ما يحتاجون إليه في معاشهم و معادهم و منافعهم و متاجرهم في ظعنهم و إقامتهم بالأحاديث و الروايات، و وصّى إليهم و لهم بتبليغها الشاهد منهم الغائب. و بذلك تنقسم إلى الآحاد و المتواترات، و الأوّل إلى الصحاح و الحسان و الفرائب و الموثقات، و إلى غير ذلك من المشهورات و المستفيضات و المشتبهات و الموضوعات. و لهذا نصب لهم من أهل بيته و خاصّته أئمّة و ولاية مدفوعاً عنهم و قوب الفواسق، مبرّئين من العاهات، محجوبين عن الآفات، معصومين من الرّلات، مصونين من الفواحش و العثرات، عالمين بما يرد عليهم من التواسخ و المنسوخات، عارفين بما يطرأ لهم من المعميات و المشبهات، ذابّين عن دينه و سنّته ضرورياً من الشكوك و الشبهات؛ فإنّ في أيدي الناس في زمانه و بعد وفاته حقاً و باطلاً، و صدقاً و كذباً، و ناسخاً و منسوخاً، و عامماً و خاصاً، و محكماً و متشابهاً، و حفظاً و وهماً، و غير ذلك من ضروب الخطايات.

فيا من له الأسماء الحسنی و العطیّة العظمی و بيده مفاتيح الخيرات و ينتهي إليه مطلب الحاجات، صلّ عليه صلاة لا يدانيها أسنى الصلوات، و سلّم عليه سلاماً لا يوازنه أزكى التسليمات، و حيّه بتحيّة لا يوازيها أنمى التحيّات و بارك عليه بركة لا يحاذيها أفضل البركات، و على هؤلاء الذين نصبهم لدينه و حفظ قوانينه، سيّما من خصّ بمواخاته و بآية المناجاة و بمحاربة غير بني نوعه و مخاطبته بمشهد الجماعات و لم يفرّ أصلاً في شيء من المعارك و لم يفشل، و لم يذهب ريحه فيما ورد عليه من الغزوات، و بذل فيها جهده و طاقته حتّى مدحه في غزوة منها جند من السماويات، و نزلت فيه في أخرى منها سورة العاديات، و في أخرى منها فضلت ضربة واحدة من ضرباته على عبادة جميع المخلوقات، و ردّ لأداء صلاته غير مرّة و تكلمّ معه غير مرة أعظم السيارات، و

تصدّق بخاتمه في صلاة مندوبة من صلواته حتى نزلت في ولايته و في جوبها على كافة الناس آية محكمة من المحكمات، و ترك الدنيا و زخارفها و احمرارها و اخضرارها و الركون إليها حتى طلقها ثلاث تطليقات. و أفضى اللهم من بركاتهم علينا و على من يلحق بنا إلى يوم الدين من المؤمنين و المؤمنات. أمّا بعد، فقد التمس منّي المولى الأجل الأعظم، الفاضل العالم العامل، المترقى بحسن فهمه، الصائب إلى المراتب، المستعدّ لتلقي نتائج المواهب من الرحيم المواهب، الذكي التقي النقي الألمعي، مولانا مهر على الجرفادقاني - بلغه الله تعالى من الخير آماله و ختم بالحسنى أعماله - أن أجيّز له إجازةً لمروياتي و مقرّراتي و مسموعاتي و استفاداتي من مشايخي ليكون داخلاً في سلسلة رواة الأحاديث المطهرة المروية عن أهل بيت النبوة و معدن الرسالة و ينبوع الحكمة، و بذلك يدخل في دعوة مولانا الإمام أبي عبد الله جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام حيث قال: «رحم الله من أحيا أمرنا» الحديث. و كفى بذلك مشوبة كبرى و منقبة عظمى.

فقد أجزت له إجابة لمسؤله و قضاء لحاجته أن يروى عنى جميع ما يجوز لي روايته من الأصول الأربعة التي عليها المدار بأسانيدى الواصلة إلى مؤلفيها المحمّدين الثلاثة، أعني ثقة الإسلام و كهف الأنام المجدّد لمنهاج أئمة الهدى في رأس المائة الثالثة بعد الإمام علي بن موسى الرضا عليه التحيّة و السلام - الشيخ الأقدم أبو جعفر محمّد بن يعقوب الرازي الكليني، و رئيس المحدثين و صدوق المسلمين آية الله في العالمين الشيخ الأعظم أبو جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي، و شيخ الطائفة من بين الفرقة الناجية الشيخ الأفخم أبو جعفر محمّد بن الحسن بن علي الطوسي - طاب الله ثراهم و جعل الجنة مثواهم.

فقد رويت ما رويت عن السيد السند الحسيب النسيب الجليل النبيل الفاضل الكامل العالم العامل، أمير قاسم بن محمّد الحسني الحسيني القهپائي - تغمّده الله بغفرانه - و عن الشيخ الفاضل العالم الكامل العامل، عمدة المفسّرين زبدة

المحدثين ناشر أخبار موالينا المعصومين - عليهم سلام الله أجمعين - تقي الملة
والدين محمد، المعروف الشهير بالمجلسي - حفظه الله تعالى عن طوارق
الحدثان إلى يوم الدين - وهما عن الشيخ الأعظم والمولى الأفخم علامة دهره
ووحيد عصره، بهاء الملة والدين، محمد بن الشيخ حسين بن عبد الصمد
الحارثي العاملي، عن أبيه المذكور، عن الشيخ الأكمل الأجل زين الملة والدين،
الشهيد الثاني، عن أبيه، عن الشيخ الجليل شمس الدين محمد بن المؤذن، عن
الشيخ ضياء الدين علي، عن أبيه الشيخ الأعظم النحرير الأكمل، الشهيد الأول
محمد بن مكي - رفع الله درجته كما شرف خاتمته - عن الشيخ المدقق فخر
الملة والحق والدين، أبي طالب محمد، عن والده العلامة جمال الملة والحق و
الدين، الحسن بن مطهر الحلّي، عن والده الشيخ الجليل سديد الدين، يوسف بن
علي بن مطهر، عن شيخه المدقق النحرير العلامة نصير الملة والدين، محمد بن
محمد الطوسي - قدس الله روحه - و عن شيخه المحقق نجم الملة والحق و
الدين، أبي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد، عن السيد الجليل أحمد بن يوسف
بن أحمد العريضي العلوي الحسيني، عن برهان الدين محمد بن محمد بن علي
القزويني، عن السيد فضل الله بن علي الحسيني، عن شيخ الطائفة وعمدها، أبي
جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي، عن الشيخ الأفخم المفيد محمد بن
محمد بن النعمان المعلم، عن الشيخ الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن
الحسين بن موسى بن بابويه القمي - طاب مرقده - جميع مصنفاته وإجازاته
عنه و عن أبيه، تغمده الله. و بإسناد آخر عن الشيخ الطوسي - طاب ثراه - عن
الشيخ المفيد - قدس روحه - عن الشيخ أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه،
عن الشيخ السعيد أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني المتقدم - تغمده الله
برحمته - عن مشايخه كما ذكره في كتاب الكافي.

و أنا أيضاً ألتمس منه و عمدة التماسي أن يكون في نقل الرواية عني إلى غيره
من تلامذته و غيرهم محتاطاً فيه مجتهداً غاية الاحتياط و الاجتهاد و مراعيّاً
تقوى الله تعالى و دوام طاعته و إثارة مراقبته و الإخلاص له - عزّ و جلّ -

في العلم و العمل، و أن يجريني على خاطره في أوقات الصلاة و الدعاء، تقبل الله عمله. و إن في هذا لبلاغاً لقوم عابدين، و صلى الله على محمد و آله و أهل بيته الطاهرين.

کتابه الفقير الراحي، أبو القاسم بن آقا محمد الجرفادقاني.^۱

از این که جرفادقانی برای سید قاسم قهپایی، جمله دعایی «تغمذه الله بغفرانه» آورده است معلوم می شود این اجازه بعد از درگذشت قهپایی، یعنی حدود ۱۰۶۰ ق صادر شده است. از سوی دیگر، چون برای مجلسی اول عبارت «حفظه الله تعالى عن طوارق الحدیثان إلى يوم الدين» را آورده است، نشان می دهد این اجازه قبل از سال ۱۰۷۰ ق صادر شده است.

سفر به هندوستان

هند و ایران با تمدنی کهن و فرهنگی دیرین، قرن ها روابط دینی، فرهنگی، هنری و سیاسی تنگاتنگ داشته اند. از نیمه سده دهم و طول سده یازدهم و بخشی از سده دوازدهم، با به قدرت رسیدن شاهان صفوی در ایران و هم زمان با حکومت گورکانیان در هند، این روابط به نقطه اوج می رسد. از مهم ترین مظاهر این ارتباط فرهنگی می توان به گسترش زبان و ادبیات فارسی و اوج هنر معماری ایران در هند اشاره کرد. در این دوران، بسیاری از علما، شعرا، هنرمندان و سرداران ایرانی به هند مهاجرت کردند و در دستگاه گورکانی ارج و قرب یافتند و کتاب های زیادی از آنها به نام و حمایت شاهان و درباریان گورکانی تألیف و تدوین شده است.^۲

ابن خاتون عاملی (زنده در ۱۰۶۸ ق)، میرزا محمد جزایری (م ۱۰۹۸ ق)، شیخ حسین کرکی عاملی (م ۱۰۹۸ ق)، شیخ حسین جامعی عاملی نجفی (م ۱۰۶۸ ق)، سید

۱. بحار الأنوار، ج ۱۱۰، ص ۹۸-۱۰۲.

۲. رک: سرزمین هند، علی اصغر حکمت؛ تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ترجمه: بهرام مقدادی؛ هند یا سرزمین اشراق، وحید مازندرانی؛ مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، فرهنگ ارشاد.

نور الدین عاملی (م ۱۰۶۸ ق) سید علی خان مدنی شیرازی (م ۱۱۱۸ ق) و جمع زیادی دیگر را می توان نام برد که در این دوره به هند رفته اند.

از کسانی که به هند مهاجرت کرده اند، ملا ابوالقاسم جرفادقانی است. چنان که از مقدمه کتاب مناهج العلیه فهمیده می شود وی بعد از فراغت از تحصیل در اصفهان در زمان حکومت شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸)^۱ به هند مسافرت کرده است.^۲ از سوی دیگر، چون حکومت شاه جهان از ۱۰۳۷ ق شروع شده است و بنا به دست نوشته ای که از جرفادقانی در دست هست، او در ۱۰۳۸ ق در اصفهان بوده است،^۳ باید سفر به هند در میانه سال های ۱۰۳۸ تا ۱۰۶۸ بوده باشد.

جرفادقانی به واسطه علاء الملک تونی^۴ به مجلس علم و شعر و مناظره دربار شاه جهان راه پیدا می کند. او مدتی در این جلسه و محفل علمی شرکت می کرده و با کسانی بحث و مناظره داشته است. این کسان عبارت اند از:

۱. شهاب الدین محمد، معروف به شاه جهان متولد ۱۰۰۰ ق، فرزند جهان گیر، پنجمین پادشاه سلسله گورکانیان هند است. داستان دلدادگی به همسرش «ممتاز محل» و ساختن آرامگاه معروف تاج محل برای وی با عنوان «بنای مرمرین عشق» که از عجایب هفت گانه عالم شناخته می شود، معروف است. شاه جهان، هنر دوست و دانش پرور بود. دربار او، مجمع دانشمندان، پزشکان و شاعران بود. از مشهورترین شاعران پارسی گوی دربار او می توان به کلیم کاشانی، صائب تبریزی، میرزا رضی دانش، صیدای تهرانی و حاجی محمدجان قدسی اشاره کرد. او پس از هشت سال حبس خانگی، در ۱۰۷۶ ق درگذشت.

۲. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۴۸.

۳. فهرست نسخه های خطی آستان قدس، ج ۱۱، ص ۴۴۲.

۴. فاضل خان، ملقب به علماء الملک تونی فردوسی، از معماران بزرگ ایران در قرن یازدهم هجری و درباریان شاه جهان گورکنی است. باغ شالیمار (ساخته به سال ۱۰۵۲ ق) در لاهور که یکی از مهم ترین مکان های گردشگری پاکستان است، و مدرسه فاضلیه یا فاضل خان در مشهد الرضا (ساخته به سال ۱۰۷۵ ق) و موقوفات گسترده آن، از آثار خیر فاضل خان است. چنانچه از کتیبه مدرسه فاضل خان بر می آید، او در اثناء ساخت مدرسه، یعنی قبل از ۱۰۷۵ ق، درگذشته است. البته وی اهل علم و ادب هم بوده است. رک: اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۷.

۱. ملا عبد الحکیم سیالکوٹی^۱.

۲. شیخ عبد الرحیم جانپوری^۲.

۳. ملا عبد الواسع تته^۳.

صورت این مناظرات را جرفادقانی مکتوب کرده و با عنوان مناهج العلیه تدوین و به شیخ علی خان زنگنه هدیه کرده است.

نمی دانیم جرفادقانی چه مدتی در هند اقامت داشته است. آن چه مسلم است وی سال های پایان عمر را در گلپایگان بوده است.

درگذشت

ملا ابو القاسم جرفادقانی پس از عمری که در تحصیل، تبلیغ و تألیف سپری کرد و سال ها به وظائف دینی و روحانی اشتغال داشت، در گلپایگان در حدود سال ۱۰۹۲ ق بدرود حیات گفت. صاحب ریاض العلماء نوشته است: «قد توفی فی البلدة المذكورة

۱. عبد الحکیم بن شمس الدین سیالکوٹی لاهوری پنجابی هندی (م ۱۰۶۷ ق) از دانشمندان و فقهای حنفی عصر خود و نزدیکان دربار شاه جهان است. زبدة الافکار، عقاید، حاشیه علی تفسیر البیضاوی، حاشیه علی المطول، از مشهورترین آثار اوست. ر.ک: الاعلام، زرکلی، ج ۳، ص ۲۸۳؛ معجم المؤلفین، کحاله، ج ۵، ص ۹۵.

۲. جونپور، شهری در ایالت اوتارپرداش هند و در حدود ۲۱۰ کیلومتری لکهنو است. از مسوین به این شهر، عبد الرحیم جانپوری را نیافتیم.

۳. تته، منطقه ای در شمال و جنوب رود سند در پاکستان امروزی است. شهر تته در صد کیلومتری کراچی، محل زندگی جمع زیادی از شیعیان است.

نام تته در منابع اردو و سندی به صورت های «نهنه»، «نهنه»، «نهنه» و در منابع فارسی به صورت های «تته»، «تهته» و «تهتها» ضبط شده است. در سندی «تهت» و «تهته» به معنای دهی است که در کنار رود سند واقع شده باشد. منسوبین به این منطقه را «تنوی» و «نهنوی» می خوانند.

شهید مولوی احمد بن قاضی تنوی، صاحب اخلاق التوی (زنده در ۱۰۱۰ ق)، مولا ابو الجود بن نصر الله تنوی محسن بن نور محمد تنوی، محمد بن عبد الهادی تنوی سندی مدنی، ملا مسکین تنوی، میرزا غازی ترخان، و قاری تنوی، از مشاهیر شیعیان این منطقه هستند. البته از عبد الواسع تته اطلاعی به دست نیاوردیم. (ر.ک: «نهنه»، دائرة المعارف اسلامیه؛ تاریخ سند، معصومی؛ الذریعه؛ أعیان الشیعه و...).

فی قریب من سنة اثنين و تسعين و الف».

البته چنانچه گفتیم، این قطعه از بیان صاحب ریاض العلماء در ریاض چاپ شده وجود ندارد ولی ثقة الاسلام تبریزی و سید محسن امین آن را از نسخه خود نقل کرده‌اند.^۱

سوم. آشنایی با رساله سلیمانیه

ابوالقاسم جرفادقانی رساله‌ای در فقه زنان به زبان فارسی دارد که آن را به خواهش آقا سلیمان قمی شاگرد خود تألیف کرده است و آن را «رساله سلیمانیه» نام نهاده است. وی در مقدمه می‌گوید: آقا سلیمان قمی از وی خواست رساله‌ای تحریر کند که در آن مسائل مختص زنان و نیز مسائل ضروری مشترک میان زنان و مردان را دربر داشته باشد تا زنان بتوانند به سهولت به احکام مورد نیاز خود دست یابند.

کتاب به ترتیب ابواب فقهی منظم شده است و بیست باب دارد. نشر کتاب، فارسی دوره صفوی است و برای مخاطب امروزی ثقیل و دشوار است.

نویسنده در مواردی به دلیل و مدرک مسئله نیز اشاره دارد و آیات و روایات را می‌آورد. شیوه نویسنده آن است که در نقل روایات تنها به آوردن ترجمه فارسی اکتفا کرده است.

از این اثر تا کنون چهار نسخه خطی شناسایی شده است که در تصحیح به دو نسخه آغازین استناد شده است و نسخه سوم و چهارم به دست ما نرسید. اطلاعات اجمالی نسخه‌ها به شرح ذیل است:

۱. نسخه کتابخانه مدرسه صدر بازار - اصفهان، شماره ۵۸۸؛ کاتب: نصیر الدین بن محمد گوشه‌ای (از توابع گلپایگان)؛ تاریخ کتابت: شنبه ۵ جمادی الاول ۱۱۵۳ ق در گلپایگان؛ خط: نستعلیق؛ در حاشیه تصحیح شده و نسخه اندکی رطوبت دیده و برخی از اوراق آغازین آن ناخوانا است و در وسط چند برگ افتادگی دارد؛ ۲۴۸ برگ

۱. مرآة الکتب، ص ۲۱۶؛ أعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۱۳.

۱۲ سطری^۱. رمز نسخه (الف).

۲. نسخه کتابخانه مدرسه آیه الله گلپایگانی، شماره ۲/۵۰/۲۳۰؛ کاتب: ابن علی بحرانی؛ تاریخ کتابت: ۲ ذی قعدة ۱۲۱۱ ق؛ خط: نسخ؛ تصحیح شده و در حواشی نسخه، نسخه بدل گزارش شده است؛ عناوین در متن، قرمز و در حاشیه، لاجورد؛ ۱۰۰ برگ ۳۱-۳۲ سطری. رمز نسخه (ب).

۳. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۳۳۴؛ کاتب: محمد جعفر بن محمد باقر سیاهانی؛ تاریخ کتابت: سده ۱۱؛ برگ اول و آخر و صالی شده و پاره ای از عبارات حذف شده است؛ ۲۳۱ برگ ۱۹ سطری.^۳

۴. نسخه کتابخانه شخصی آیه الله سید مهدی لاجوردی در قم با عنوان کتاب فقه فارسی.^۴

چهارم. مراحل تصحیح

کار تصحیح و تحقیق این اثر در سه مرحله انجام شده است:

۱. مقابله و استوار سازی متن

نخست متن دو نسخه با یکدیگر به صورت دقیق، مقابله و اختلافات آن گزارش، و سپس بر اساس نسخه بدل های گزارش شده، متن کتاب دقیقاً بررسی شد و با تلفیق این دو نسخه، متن صحیح، انتخاب و نسخه بدل هایی که احتمال صحت داشت در پانوشت گزارش شد.

۲. تخریب و مصدربابی

تمام آیات، روایات و اقوال به مصادرشان ارجاع داده شده است و در خصوص روایات با توجه به این که مؤلف، اکثراً ترجمه روایات را ذکر کرده و ترجمه ایشان

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار، ج ۲، ص ۴۲۸.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی، ج ۴، ص ۲۰۹۳.

۳. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۱، ص ۲۳۱۸.

۴. آشنایی با چند نسخه خطی، دفتر اول، ص ۱۰۷، ش ۱۸.

همراه با توضیح و تفسیر است، برای این که نصّ کلام معصوم برای خواننده معلوم باشد علاوه بر نشانی مصدر، متن عربی روایات نیز در پانویست، درج شده است.

۳. ویرایش و علامت‌گذاری

برای سهولت در فهم مطالب، از علایم ویرایشی به صورت گسترده استفاده شده است.

هم چنین در این مرحله، برخی از کلمات فارسی، اعراب‌گذاری شده و برخی از واژه‌های مشکل نیز در پاورقی شرح داده شده‌اند.

پنجم. تقدیر و سپاس

در پایان بر خود فرض می‌دانم تلاش‌های بی دریغ و خالصانه همکار گرامی، محقق خبیر و متعهد جناب حجة الاسلام والمسلمین محمد حسین درایتی را که در تمامی مراحل تصحیح حضور جدی داشتند ارج گذارم.

هم چنین از حجة الاسلام حمید احمدی جلفایی، به جهت تخریج و مصدربابی، مهدی سلیمانی آشتیانی، به جهت تهیه شرح حال مؤلف، خانم مبارکه و محدثه درایتی، به جهت مقابله نسخه‌ها، خانم سارا عبد‌اللهی به جهت تایپ و نیز آقای محمد کریم صالحی به جهت صفحه‌آرایی سپاس‌گزاری می‌شود.

نیز باید از مسئولان فرهیخته و فرهنگ‌دوست کتاب‌خانه آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله و مرکز احیاء میراث اسلامی که تصویر نسخه‌های این کتاب را در اختیار گذاشتند، سپاس‌گزاری شود.

والحمد لله رب العالمین

مهدی مهریزی

جمعه ۹ ذی قعدة ۱۴۳۲

۱۵ مهر ۱۳۹۰

مهدی مهریزی